

جامعه های بهائی بکمال انتظار مراقبت و وظایف
که طبق نقشه پیموده جنود مجنده - پیروان امرالله
در موطن حضرت بهاء الله محول گشته بنحو شایسته
انجام پذیرد

از تخراف منیع مبارک

اختیار امری

(نشریه مخفی روحانی ملی بهائیان ایران)

شماره دوم	شهرالاعظمه - شهرالقدس	خرداد ماه
(۲)	۱۰۶	۱۳۲۸

((فهرس مندرجات))

۱- قسمت آثار مبارکه	۲- بشارات ارض اقدس	صفحه ۲
۳- پیام حضرت حرم روحیه خانم	۴- بیان مبارک راجع بلوغ مقدس (احمد)	۳ = ۹
۵- کشتی نوح برای نجات از طوفان مصائب دنیا	۶- قسمت مهاجرت	۹ = ۱۰
۷- تقویم مهاجرت	۸- ابلاغات محفل ملی	۱۴ = ۱۴
۹- قسمت تبلیغی	۱۰- قسمت جوانان	۱۵ = ۱۶
۱۱- از مناسبات خارجه	۱۲- قسمت تاریخی	۱۸ = ۲۰
۱۳- متصاعدین الی الله		۲۲ =

تن عکسهای این شماره :- ۱- منظره کامل نرده تی که بر فراز ایوان مقام اعلی درجهل کرمل در جهت مقابل دریا و بهیجی نصب خواهد شد اسم اعظم که با پرز مطلا ساخته شده در وسط ستاره تی از مرمر سبز قرار دارد حرف B در کنار در طرفین ستاره اسم اعظم نیز با موزائیک سبز رنگ ساخته شده است

۲- عکس یکی از بیست و چهار ستون گرانیتی گل سرخی رنگ که در کارخانه پالا نزی ابطالیا گرفته شده و کلیه این بیست و چهار ستون با هشت سر ستون دیگر از همین نوع گرانیت به ارض اقدس حینا رسیده و برای نصب آماده است

۳- مدل یکی از ستاره هائی که بر روی بیست و چهار ستون نصب خواهد شد

۴- تزیینات داخلی مشرق الاندکار (شیکافو) مقطع طاق نما ی اصلی بر روی ستاره ترک اسم اعظم مطلا

۵- عکس که هیکل مبارک ارسال فرموده اند نصب خواهد شد

۶- نمونه تی از تزیینات داخلی مشرق الاندکار

لجنة ملی تکثیر آثار امری

قسمت آثار مبارکه

طهران

حضرت افنان سدره مبارکه جناب
حاجی میرزا محمد علیه

بها! الله الا بهی

هو الله

ای افنان سدره مبارکه بر تفصیل مرقوم
از حوادث طهران اطلاع حاصل شد فی الحقیقه
چنانست که مرقوم نمودید که از احزاب موجوده در ایران
کسیکه به حکومت اطاعت و تمکین دارد حزب الهیست
زیرانه بتلویح بلکه بنص صریح مأمور باطاعت حکومتند
و صداقت بدولت بلکه بجائشانی بجهت عزت ابدیه
عالم انسانی و اگر چنانچه نفس از احباب بمنصبی رسند
و بامور ریشی منصوب شود باید در امور موکوله خویش
بکمال راستی و پاک و صدق و عفت و استقامت بکوشد
و اگر چنانچه از تکیا کند و ارتشائی نماید مبعوض درگاه
کبریاست و مفضوب جمال ابهی و حق و اهل حقیق
از او بیزار بلکه بمعونه و موجب خویش قناعت نماید و راه
صداقت پروردگار و ره ملک و ملت جائشانی برمایند
اینست روش و سلوک بهائیان و هر کس از این تجاوز
کند عاقبت بخسران مبین افتد ای بهائیان ۰۰ شما
همی کنید بلکه روحی در جسم آن اقلیم بد میبند
و زنده نمائید تا تلا فی مافات گردد و آیات بیانات جلوه
نماید انسان را عزت و بزرگواری پیاکی و راستی
و خیرخواهی و عفت و استقامت نه بزخارف و شرف
اگر نفس موفی بر آن گردد که خدمتی نمایان بعالم
انسان علی الخصوص بایران نماید سرور سرور است
و عزیزترین بزرگان اینست غنا و عظیم و اینست گنج روان
و اینست ثروت بی پایان و لا تنگ عالم انسانیت و لیس
در نهایت ثبات مانیت چه قدر انسان باید که غافل
و نادان باشد و دست فطرت و دست طینت که خویشی

را با وساخ ارتکا بخوانت دولت پیا لاید و الله
حشرات ارض از او ترجیح دارند انتهی

رسنجان

بواسطه جناب آقامهدی جناب

اقا علی اصغر علیه

بها! الله الا بهی

هو الله

ای تشنه زلال فیض الهی سلسبیل میثاق در
نهایت عذوبت و جلاوت است ولی در کام ناقضان
در ریاضت تلخی و مزارت ندامت چون از غلبه خلط
صبراً مختل گردد. شاهد قسطنطین دهد و شکر و مهر شود
کامی که بآب شوری معتاد از آب شیرین بیزار
گلخوار را گلشکری شمر است و دباغ را رانجه معطر
مرگ مکرر بس شکر کن که بلبل این گلستانی و طوطی
شکر شکن این هندوستان و البها! علیک ع ع

بشارت ارض اقدس

بزرگترین مژده و اعظم بشارت که سبب مسرت
جان و تسخیر وجدان قاطبه یاران حضرت رحمت
در اقطار شامعه جهان است همانا خبر بهجت اثر
صحت و عافیت وجود اقدس مبارک مولای بهجت
ارواحنا لعظماء الله است که پی در پی از ارض مقدس
رسیده و میگردند

از آستان جمال اعز ابهی بکمان هجر و مسکن
رجا و مستلث میشود که اهل بها پیوسته در ظل ذللیل
مولای توانا ارواحنا فداه مستظل باشند و مصداق
این بیان مبارک که در الواح مقدسه و صابای حضرات

عبدالبهاء جل ثنائه نازل گردیده واقع شوند قوله
الاحلی :

"طوبی لمن استظل فی ظلّه الممدود علی العالمین"

بر حسب اطلاعات واصله اوقات مبارک درین
ایام غالباً مصروف ساختمان بنای عظیم مقام اعلی است
و مصالح ساختمانی برای این بنای رفیع و جلیل
متوالیاً بارض اقدس واصل میشود و مهندسین تحت
نظرو هدایت مبارک بانجام و اتمام این مشروع عظیم
مشغولند .

نفوس کثیره از غالب نقاط اراضی مقدسه بتماشای
باغهای باصفای مقام اعلی و مراقده مقدسه علیادری
مدینه منوره حیفاً مفتخر و فائز بوده و هستند .
بدیهی است یاران عزیز ایران بشکرانه ایمن
مواهب علیا بقدر وسع و استطاعت خویش بصندوق
بین المللی که سابقاً نیز بعموم مراکز امریه ابلاغ -
گردیده کمک و مساعدت لازم ابراز خواهند فرمود .

Original English in Bahai News

№ 212
P. 2 to 5
№ 213
P. 10 to 11

پیام حضرت حرم
روحیه خانم

Oct. 1948
Ruhyyih
Kharum's
message to

First Canadian Convention
باولین انجمن شور و روحانی ملی بهائیان کانادا

ترجمه از اخبار امری امریکا شماره

۲۱۲ و ۲۱۳

احبای عزیز واقعا چقدر موجب سعادت و
افتخار است که در این موقع مهم تاریخی صدای خود
را بلند کرده و از فراز آبهای دریا و اقیانوس این مطالب
را بسمع شما نفوس محترمی که اکنون در خانه شخصی
من حضور دارند برسانم . شما حال اطاق و دیوارها
و درهای آن محل تاریخی را که در آن مجتمعید
بخوبی رویت می‌شاهدید می‌فرمائید و یقین بدانید که
باینکه خاطره آنها که با گذشت ایام و مرور سنوات

در نظرم چندان روشن نیست و لکن یادگارها
و آرزوهای شیرینی که از این مکان باقی مانده آنرا
مکانی بس مقدس و متبرک معرفی میکند . در ایمن
هنگام آنچه بخاطر من خطور میکند اساسی است از
جسرت و شوق نسبت بگذشته و آینده .

در واقع بزرگترین خاطره ای را که باید در نظر
مجموع نمود خاطره گرانبهای است که نه من و نه
شاید هیچیک از شما شاهد عینی آن نبوده و بیاد
ندارید زیرا حضرت عبدالبهاء در همین اطاقی که
شما حضور دارید بیک عده از احباب و مهمانان
خطابه ای مهیمن القا فرمودند - ازوجه مبارک
آثار هیمنه و هلاکم تأثر نمود ارگیسوان مبارک نقره نام
و چشمان آبی و زیبای مبارک چنان نافذ که گوئی
بحقایق امور و مفاسد و مکاره و تقصیرات و خطیئات
کاملایمی میبرد و در همین حال باروحی ملو از محبت
و عطوفت و آزادی نسبت بعموم معامله میفرمود
و جمله را امیدوار می ساخت . خاطرات فوق از برای
این بیت که بقدوم مبارک مشرف گشته مایه افتخار
ابدی است . تصور میکنم بیانات حضرت عبدالبهاء
که در این بیت ایراد فرمودند از برای آن نفوس
مقدسه که اکنون جهت اجرای او امر مبارک و بيشرفت
امرالله در این موقع تاریخی کنش و اجتماع شده اید
نهایت اهمیت را دارد . حضرت مولی الهی نطق
خود را باین بیانات احلی افتتاح فرمودند :

ساعتی پیش جوانی اینجامد با او مذاکره
کردیم که طبیعت کامل است یا ناقص روشن است
یا تاریک آن بحث را می‌خواهم حالا تکمیل کنم -
طبیعت من حیث المجموع یعنی عالم جسمانی چون
بدقت نظر به عالم طبیعت میکنیم و بمقاسد اسرارش
پی بریم ملاحظه میشود عالم طبیعت ناقص است
ظلمانی است دقت نمائید اگر چنانچه زمینسی را
ترك کنیم و بحال طبیعت بگذریم خارزار گردد
غلفهای بی‌هوده بیرون آید اگر کوهستان را ترك کنیم

انجاری ثمر بروراند جنگل است بی ثمر است بسی
انتظام است پس این عالم طبیعت تاریک است باید
آرورشن کرد . روشنائیش بچه چیز است ؟
هیكل مبارك در جواب مسئله ای که خود طرح
فرمودند خاطر نشان میفرمایند که در عالم طبیعت
تربیت دهقان بیابان را تبدیل بیستان و مزارع پر
دانه و خرمن نموده و همانطور که عالم طبیعت چنانچه
بدان توجه نشود به مورتی تاریک و خود رو و خشن و سی
نبرد خواهد آمد همانطور انسان نیز چنانچه بحال
خود واگد ار شود و تعلیم و تربیت نیابد بخلق و خوئی
شبه به حیوان بلکه بدتر از آن جلوه نماید زیرا انسان
ممکن است چون آدمخواران آفریقا که استعداد
دماغی و روحی آنان به هیچوجه ترقی و پرورش نیافته
خونخوار و درنده گردند . بالاخره با تمثیل و تشبیه
متعدد ثابت فرمودند که عالم ماده و وجود باید بوسیله
تربیت از نقص کلی خود بعد از کمال صعود و ترقی
نماید . و ضمن فرمایشات خود با القای بیانات دیل
تیشه بریشه فلسفه مادیون که اکنون در کل عالم نافذ
است زدند :

" جمیع فلاسفه کور کورانه میگویند عالم طبیعت
کامل است ملتفت نیستند که عالم طبیعت ناقص است
باید تربیت کرد تا کامل گردد " (برای اینکه)
" اگر طبیعت را بحال خود بگذاریم ظلمانی است
لهدا باید انسان را تربیت نماییم تا این انسان
ظلمانی نورانی شود و این جاهل دانا گردد بی ادب
با ادب شود ناقص کامل گردد بد اخلاق خوش اخلاق
شود تا این حیوان انسان شود هیچ شبهه نیست
انسان بدون تربیت از حیوان بدتر است . "

بدینطور طایفه و گنایه فرمودند :
جمیع حیوانات طبیعی هستند جمیع مادیستون
مثل حیوانات احساسات جسمانی دارند احساسات
روحانی ندارند مگر خدا هستند . هیچ خبری از
خداندانند هیچ خبری از انبیاندانند از جنست

ابهی خبرند دارند . جمیع حیوانات نیز از تعالیسم
الهی بی خبرند جمیع حیوانات اسیر محسوسات اند
فی الحقیقه نظیر فلاسفه این زمان حیواناتند چنانکه
آنها از خدا از انبیا از احساسات روحانی از فیض
روح القدس از ماوراء الطبیعه خبرند دارند هر حیوانی
دارای این کمالات بدون زحمت فیلسوفها بعد از
تحصیل بیست سال خدارا انکار کنند قوای روحانی
الهامات الهی را انکار نمایند حیوان بدون زحمت
فیلسوف کامل است مثل حضرت گاو که از هیچ چیز
خبرند دارد از خدا خبرند دارد از احساسات روحانی
خبرند دارد جمیع حیوانات از روح بی خبرند این
فیلسوفها نیز جز از محسوسات خبری ندارند نظیر
حیوانات با وجود این میگویند ما فیلسوفیم زیرا جز
محسوسات نمی دانیم حال آنکه حضرت گاو بدون
تحصیل علم این فضیلت را دارد در کمال تشخیص
این فخر نمیشود فخر انسان اینست که انسان از
خدا خبریابد احساسات روحانی داشته باشد از
ماوراء الطبیعه خبر گیرد فخر انسان اینست که از نفقات
روح القدس بهره یابد فخر انسان اینست که از
تعالیم الهی خبر گیرد اینست فخر انسان و الای
خبری فخر نیست جهل است نادانی جهل است
سپس هیكل مبارك متذکر شدند که حضرت مسیح
مسلمانان هر نقطه نظر چه از حیث عقل و درایت و چه
از حیث رفتار و ایمان بر کل فلاسفه اولویت داشته
بنابر این شخصی مانند آن حضرت اگر مطمئن نبود
که یک کیفیت روحانی وجود دارد که فوائد و منافع
آن جهت نوع انسان بینهایت زیادتر از نتایج حاصله
از عالم حواس و احساسات است دلیل نداشته که
بشئون و لذات دنیوی پشت بازده و از کل آن صرف نظر
نماید . در موقع ادای این خطابه بود که حضرت
مولی الوری چنان بهیجان آمده و لحن بیاناتشان
شدت وحدت یافته بود که تاج از رأس مبارك افتاد
و بر روی زمین غلطید . در ۴ سال قبل در همین

طاق بود که هیکل مبارک بر علیه فلسفه مادی غرب که در دنیا در افکار متفکرین غرب ریشه دوانیده پشیدت اقتراض نمودند و این همان فلسفه ایست که انیسر خود مستقیماً موجب وجود دو جنگ خانمانسوز اخیر نبوده مسلماً از آنها نیز به پیچوجه جلوگیری نکرد و اکنون هم ما را با امکان وقوع سومین جنگ عالمگیر مواجه ساخته است.

حال بسیار مناسب و مقتضی است که شما که تقریباً مقدرات روحانی این سرزمین زیبا و مستعد یک کفایتتان سپرد خواهد شد با انتخاب اولین محفل روحانی ملی جامعه خیریه‌ی مجدی با یک کلمات مبارکه حضرت مولی‌الوری گوش هوش فراداده معنوی و مفهوم حقیقی مسئولیتی را که اکنون به عهد میگیرید بخوبی تشخیص دهید و آن عبارت از سه رکن است: مستقیم شما در ایجاد مدنیت روحانی در برابر تمدن ناقص و کمالات مادی دنیا کنونی است. ما بهائیان باید آنی دراموش ننمائیم که بدون هیچ نوع شائبه گویا خود ستانی ما خود یقین داریم که عقیده ما راجع به طبیعت و مقصد حیات و راجع به پروردگار خویشش آنچه که مردم تعبیر حقیقی فلسفه تکامل عالم کون میکنند دارند متناوب است.

شما نه نفوس محترم اکنون که به عنوان انما ی مور ملی امرالله در اقلیم کنیا برای مدت یکسال افتخار خدمت سایر اعیان آن اقلیم را پیوسته میکنید باب جدیدی را افتتاح میفرمائید و این باب جدیدی که تنها برای شما بلکه جهت عموم اهل بهاء در سراسر عالم تازگی خواهد داشت. تاسیس محفل ملی کنیا از چندین نقطه نظر حائز اهمیت است. اولاً پس از محفل پر محافل موجوده که از حیث تعداد محدود ولی از جهت ارکان و بنیان غوی و محکم نیست افزوده شده و ثانیاً با انفصال آن از محفل ملی امریکا ستون دیگری بر اعمده بیت العدل عمومی مزید گشته و شخصیت آن در اینست که نهمین محفل ملی است که

وجود آمده است.

حال در عین اینکه امور ملی شما بدست خود شما سپرده شده و این باب جدید روحانی را مقتضای میسازید برای شما که عنوان افراد بهائی و اعضای جامعه جهانی امرالله را دارید فرصت جدیدی موجود گشته که بدان وسیله میتوانید به پیشرفت‌های فوق العاده نائل شوید. در این دنیا ی جدید اکنون در میان شما محیط جدیدی برای ابراز فعالیت و خدمت آغاز گشته و یقیناً است خداوند متعال هرگز وظایف بزرگی را مقرر نمیفرماید مگر آنکه در مقابل آن قدرت و استعداد عظیم نیز اعطا فرماید. شما با استفاده از تجربیات گذشته و بهیچ وجه ایشکه در دامن امرالله پرورش یافته اید میتوانید برای این اصل همت گمارد که محفل که بدست شما ایجاد میشود و اقدامات و مجهوداتی که از طرف آن بعمل میآید نزدیکتر بمبادی سامیه الهی و بیشتر متوجه مقاصد عالیه آن بوده و از زندگی معاصر و محدود پت‌های ناشیه از خود خواهی پاکتر و مصلحت تراز هر هیئت بهائی دیگری باشد که تاکنون بوجود آمده است زیرا که اکنون بدایت کار شما است و شما میتوانید بکمال استقلال و با حق و انبساط و دلگرمی بدور نمای درخشانی که حضرت ولی امرالله ترمیم نموده و حاکی از آتیه مشحون از امید و آری و نقیضش مهمی است که بدست شما باید ایجا شود شروع به انجام خدمت نمائید.

موقعیکه شخص راجع بکند انکار میکند فوراً موضوع زراعت و آبادی بخاطر میگذرد. از جنگلهای دست نخورده و صحراهای خشک و اراضی با پرود ریاحه های شمالی کندا یک ملت بزرگ و جوانبخش بوجود آمده است. همانطور که حضرت بهاء البهاء فرموده اند: «ظلمت طبیعت بدل بگشت و آبادی و عظمت دولست و صفات و تجارت و ایجاد مساکن و انواع هنر و علوم مربوط بزندگانی انسان جایگزین نقائص عالم

طبیعت گردیده است . معدّلك این سرزمین از حیث روحانیت هنوز بحال ظلمت و تاریکی باقی است گویانکه آتیه آن مقرون بموفقیت و امیدواری است و هرآنکه از اثرات روحانیه از هیئت امنای آن محفل مقدس پیروز کند بهمان درجه سبب نزول و شمول حیات حقیقی از شطرمکرم حضرت بهاء الله برقراره کند و خواهد کردید . محفل ملی شما مخلوق اراده مبارک او است . وجود شما محض اجرای وظایفی است که منظر مقدس او بنموده و وظیفه اساسی شما آنست که چون قلب روحانی کنیدا نباض باشید . من کلمه "روحانی" را مخصوصا ذکر میکنم زیرا با اینکه از اکنون ببعد شما قلب اداری امور بهائی آن سرزمین محسوبید مع الوصف این امر بالنسبه بمقام روحانی شما قابل ذکر و اهمیت نیست انتخاب شما در واقع برای اینست که با قدمهای سریع و دلیرانه خود مساعی و مجهودات قاطبه احبای اقلیم کنیدا را رهبری و هدایت نمائید زیرا استعداد و لیاقت افراد جامعه ولو هر قدر زیاده باشد بعید است بانجام خدماتی خارج از حدودی که شما خضرات محترم جهت آنان تعیین میکنید موفق گردند میزان مجهودات و خدمات امریه در اقلیم کنیدا بسته به هدف عالی شما و بدستگی و فداکاری و اشتیاقی و انجذاب شما و اعتماد نفوس بوجود شما است . شما اولین خدمتگزاران آن قلمید و خدمتگذاری اعظم رتبه و اعلی منقبت است چه که حضرت قبله البسمه بانه الشرف باین مقام قائم و خود را مفتخر بدان میدانستند . علیهذا مسئولیت شما در برابر نفوس این اقلیم بس مهم و عظیم است .

متاسفانه قدرات حکومت حتی در کشورهای معروف به دموکراسی هم عبارت از تحمیل سلطه و اقتدار طبقه حاکمه بر ملت است یعنی در حقیقت آن نوع حکومتی که نماینده ملت بود و اعضا واجبه از آن خادم ملت یعنی خادم نفوس عامی و خادم خیر عمومی و حکومت مردم بر مردم و برای مردم باشد از میان

رفته و بجای آن اغلب یکعده از مستخدمین دولت مشاهده شوند که با اصرار تمام بکریسهای خود چسبیده و در همین حال خویش را جزو طبقه عالی محسوب و مختاریت تحمیل انکار و امیال خود بقوله های مردم میدانند . فقط در موقع انتخابات است که این نفوس دعتا تغییر قیافه و روش میدهند و آنهم منظورشان البته نه بجهت خدمت سعادت عمومی بلکه برای تحمیل موفقیت در ادامه استفاده از مزایای است که از آن همواره برخوردار بوده اند . در دنیا ی امروز طبقه حاکمه و طبقه توده مردم دو طبقه متمایز مشخص را تشکیل میدهند . بزرگان جامعه و رهبران عمومی و کسانی که انکار دانی آنان باید حصر در خیر و سعادت تدریک از افراد جامعه باشد و همچنین نفوسیکه وجود آنها و لا اقل افکار آنها باید همواره در معرض استفاده عمومی قرارگیرد . خود را متاسفانه بجامه غرور و خود ستائی ملبس نموده و ابدا بوظایف حقیقی خویش و غایت و افتنائی ندارند و تازه این کیفیت در دنیا ی حکمرما است که حکومتها ی دموکراسی در آن برقرار است .

شما که عنقریب امنای ملی خود را بپسرای سال آینده انتخاب خواهید کرد باید متوجه باشید که مقصود من از تشریح وضع فعلی هیئت های حاکمه این بود که تفاوت آن هیئت ها را با آنچه که مانسبت بنمایندگان منتخب جامعه خود قائل هستیم نشان داده باشم . اولاً هر یک از احبای که انتخاب شود باید قبول این سمت را یکی از وظائف مقدسه خود شمرد بعبارت دیگر انتخاب شدن امتیازی نیست که یک درد بهائی در طلب آن کوشد بلکه وظیفه ایست که از آن سر باز زدن ممکن نیست و هیچ قسمت از تعالیم مبارکه ذکر نیست تا بخاطر چنین خطور کند که اداره کنندگان جامعه یسک طبقه مخصوص و شریفتر از دیگران هستند . بالعکس هرگز باری آزاد و مخفی احبای دیگر انتخاب نشود

خود را در فتنه در مقام یکنفر از امنای جامعه مشاهده نماید و این مغایر ترتیبی است که در دنیا کنونی جاری است که سیاستون خود طبقه خاصی بشمار رفته در صورتیکه معمولاً این نفوس چندان هم محبوبیت ندارند. امنای ملی جامعه بهائی برخلاف آنچه که در مورد هیئت های حاکمه عمومی متصور است - بهیچوجه مسئول انتخاب کنندگان خویش نبوده بلکه مسئول هیئت مافوق خود میباشند و در اداره کردن امور جامعه کاملاً آزاد اند آنچه را که رأی وجدانی هیئت است تنفیذ نمایند و مخصوصاً در آرزوی احراز این مقام نبوده و چشم طمع بآن نمیدورزند و از وصول بآن سوابق خدمتی جهت خویش تدارک نمیکند و در نتیجه مبارزه انتخاباتی در این امر وجود ندارد و - اعضای محافل بهائی در معرض ترس و وحشت و حس جاه طلبی که اغلب نمایندگان منتخبه دچار آنند واقع نمیشوند نظراً آنان معطوف بانجام امور امرالله و قلوب و افکارشان خالی از هر نوع امیال خصوصی و جاه طلبی و کبر و غرور شخصی است. دستورات بهائی در این مورد نه تنها سبب اصلاح اخلاق طبقه حاکمه بلکه علت خیر و سعادت افراد و در عین حال دافعی موجبات دنائت اخلاقی و سوء استفاده و وسوسه است که در دستگاهاهی سیاسی موجود میباشد.

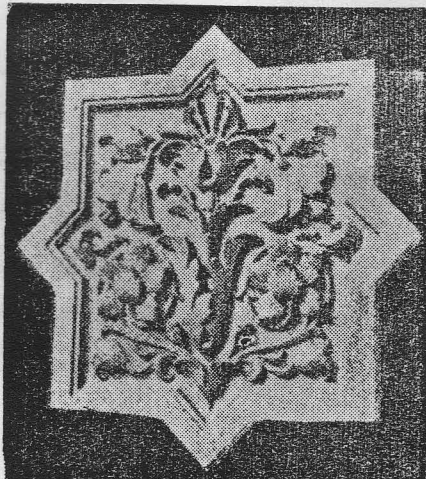
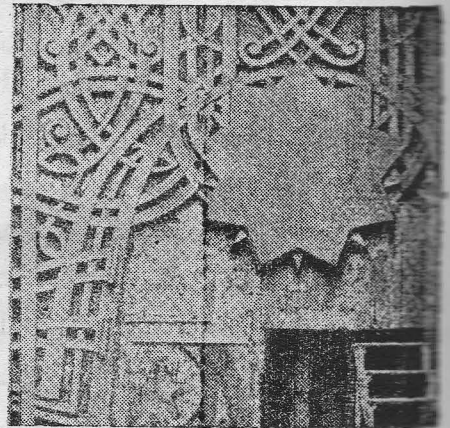
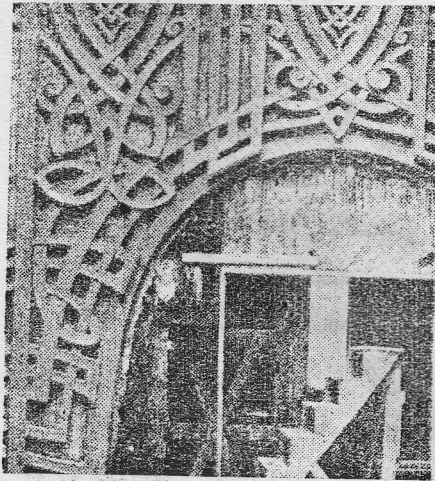
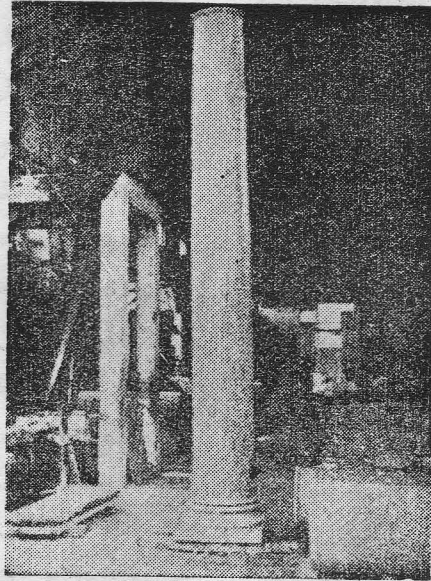
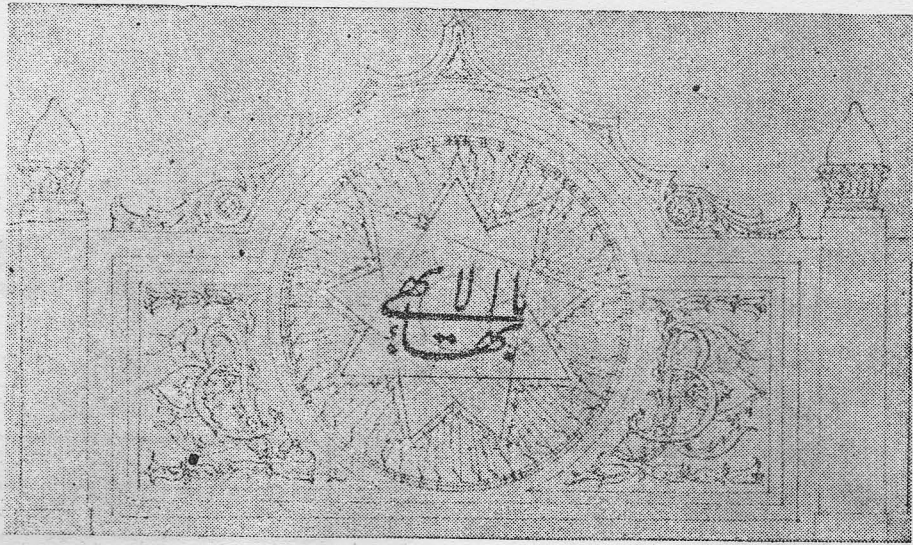
بطوریکه حضرت مولی الوری در همین اطاق بیان فرمودند دنیاى امروزی ما که دنیائی است بشدت تاریک و مظلّم و بینهایت مادی و در طریق خطا سالک وجد معتقد باموری است که اساساً غلط و نادرست میباشد این دنیا دارد نوع انسان را اکنون تقریباً در جمیع شئون بسرائیشی خطرناکی سوق میدهد و نمونه بارز آن طرز استفاده ایست که از قدرت حکومت در جمیع عالم بعمل میآید. البته موقعی که قدرت و اختیار در دست باشد مغز کسی را بتول معروف کوفتن و او را نقش زمین کردن و بییهوش انداختن خیلی سهلتر از آنست که وی را بجاده حق و

حقیقت دلالت کنند. چه سلطه و نفوذی که این کلمه در آلمان و اروپا بوجود آورد. در واقع آسانترین حربه همین است که بگویند اختیار در دست ما است. ما که میگوئیم خبر باید اطاعت کرد والا خوب و چماق علت ذکر این مطلب آن است که هر کس حق هیئت های روحانیه مانند محافل بهائی ما خوب است متذکر باشند که همینکه شخص دارای قدرت و اختیار شد برای او از هر کار آسانتر روش سخت گیرى و خشونت است نه مسالمت و محبت زیرا که با این روش شخص محتاج باستدلال و تحمل شکبائی و صرف وقت و مذاکره نخواهد بود و لکن ضمناً باید بخاطر داشت که اگرچه این روش بسیار مؤثر است ولی احساسات را جریحه دار ساخته موجب جدائی و اغلب نیز مورث رکود و وقفه امور میگردد. چون شما هنوز دارای محفل ملی نشده اید البته این مطلب را حمل بر انتقاد نخواهید نمود ولی نظرباینکه قریباً محفل شما تاسیس میشود چرادر آغاز امر اصول و روش را در امر امریه اتخاذ ننمائید که نسبت بسایر محافل برتری داشته باشد. شایسته بندگان آنست که همواره طالب ارتقاء در مراتب روحانی باشند. درست است که احبای الهی در جمیع اقطار عالم با محافل ملیه خویش یکمال اتفاق همکاری کرده و در تحت امر و اداره این محافل به پیشرفت امرالله مشغول و مطیع آن محافل بوده و بدانها اعتماد دارند و لکن با وجود این نباید چنین پنداشت که اولین محفل ملی کند اقادرنیست بمعیت جمعیت انتخاب کنند خود که اکنون جامعه ملی مستقیمی را تشکیل میدهند در مرصه روحانیت بمقامات عالیهتری نائل شود. اولین عطیه حضرت بها' الله به عالم محبت و اتحاد بود. نزول آیات و وضع شریعت و اعلان اصول جهانسی و انتشار تعالیم عمومی و کلیه فرمایشات مبارک طائف حول محبت و اتحاد و صرفاً بمنظور پیشرفت و انتشار این دو مقصد مقدس بوده است. بنا بر این شایسته

نصیب آن شده است مسئولیتها و فداکاری های لازم را عهده دار گردد.

همینکه بگشته نظر میافکنم بزحمت میتوانم بگویم که اکنون سالیان درازی است که از موطن خود خارج شده ام و لکن در این مدت دریافته ام که مردم سایر نقاط دنیا برای اهالی کندا احترام زیادی قائل اند زیرا در عین اینکه اهالی کندا را بفضائل مردم آمریکا و انگلستان متصف میدانند معایب آنها را از هر یک از این دو ملت کمتر تصور میکنند. ظاهر عقیده اهالی اروپا بطور عموم اینست که اهالی قاره کندا بسیار متمدن و فوق العاده متین و کم و بیش از حیث اخلاق ملتسوسی در ستکارند. اینکه میگویم کم و بیش بعلمت آنست که امروز هیچ ملتی بطور یاباید و شاید واجد کمال اخلاقی نیست و تصور میکنم حضرت ولی امرالله نیز باین نظر موافق باشند. بگمان من اکنون ایشان بانظری دقیق و متجسس ناظر سرزمین کندا بوده و منتظرند به بینند این ملت نوشکفته و با عظمت و استعداد چه صفحات درخشانی را در تاریخ امپراتوری بیادگار باقی خواهد گذاشت زیرا بهر درجه از موفقیت نائل گردید باز انتظارات حضرت ولی امرالله بیش از آن خواهد بود. هیکل مبارک جز بهد فها و فتوحاتی که بآنها باید نائل شوید و وظائفی که باید شروع نمائید و مقامی که باید بدست آورید و صفحات مشعشعسی که باید در تاریخ امرالله بدست شما ثبت گردد بهیزدیگری نظرتوجه ندارند. اشتیاق و عواطف ایشان نسبت بشما احبای کندا خارج از توصیف است و البته ما میدانیم که این همه عواطف از حضرت عبداللها سرچشمه میگردد که سی و یکسال قبل آتیه درخشان کنه را برای العین ملاحظه فرموده و تحقق سریع آنرا آرزومند بودند و شمارا بنام ایالات مختلفه کنه و نیوفاوندلند و یوکن و مکنزی و کیوآنین و جزایر فرانکلین و گرین لند مخاطب فرموده ضمن بیانات خود در همین اطاق که شما حضور دارید چنین فرمودند که قبسل از

است که محفل ملی کندا و احبای آن اقلیم در قدم اول در تحقق اتحاد و اتفاق و محبت و وفاق کامل در بین خود همت گمارند. یاران نباید محفل ملی را از خود جدا و مافوق خود دانسته و تصور کنند که آنان را محفل اداره کرده و یا کلیه کارها را محفل برای آنها انجام میدهد و محفل ملی نیز باید از شتت عقاید و افکار برکنار و از مرض غرور و استکبار پاک و مبری باشد. بلی - احبا باید چنین احساس نمایند که محفل ملی فقط بمنابه قلب جامعه است که اهم امور را برای آنان انجام داده و محتاج کمک و حمایت و اشتراك مساعی کامل آنهاست. محفل ملی هم از طرف دیگر باید تشخیص دهد که هر چند بمنزله قلب جامعه است دستها و چشمها و گوشها و دهان آن همان احبائی هستند که در گوشه و کنار کشور منتشر و محفل نمایندند آنها خادم آنها و بدون آنها به هیچگونه موفقیتی نائل نمیکردند. چون ذکر دهان بمیان آمد موضوع صندوق ملی بخاطر خطر نمودن زیر اشکی نیست صندوق ملی بمنزله دهان یعنی مجرای ارتزاق بدن است. قلب و دستهای انسان چنانچه غذای کافی بآنها نرسد هیچکدام قادر نخواهند بود آنقدر را مفید فایده واقع شوند و چون تبرعات و اعانات در دیانت بهائی اختیاری است این موضوع اولیای امور جامعه را دچار وضعی بس دشوار میسازد زیرا آنان با اینکه میدانند که اعانات را باید تقاضی کرد و نیز رواج برگرفتن ممکن نیست و با اینکه واقفند که احبا از تقاضاهای زیاد آنها خسته میشوند معذلک وقتی ملاحظه میکنند که چرخهای امور بواسطه نبودن وسایل دارد از کار میافتد مجبور میشوند که بی درین طلب اعانه نمایند. بنا بر این تصور میکنم هر یک از اهل بهاء باید موقعیت دشوار محفل ملی را در این مورد بخاطر دانسته از کمک مداوم خود به پیشرفت امور امریه مضایقه ننمایند. کندا از این بیعد کاملاً مستقل و متکی بخود بوده و باید باموهبت و امتیازی که حال



بدیهی است احبای عزیزالهی درمندرجات
این پیام مهم که حاوی نکات دقیقه‌امری است کاملاً
دقت خواهند فرمود *

بیان مبارک راجع بلوغ مقدس احمد *

یکی از یاران هندوستان عریضه‌ش بدینمضمون
بآستان مقدس مولای رؤف و مهربان ارواحنا
لعنایاته الفدا* معروض داشته است :
بعضی از احباب ماه صیام را شهرالاعلا گویند
و برخی شهرالاعلا برخی چند جمله از لوح مبارک
احمد را تغن و تبشیر و تهدی و بعضی یغن و بیشتر
و تهدی خواهند *

و در اینخصوص هدایت مبارک راجا و مسئلت
نموده اند در جواب این بیان مبارک صادر قوله
الاحلی :

" راجع بنام ماه صیام فرمودند علای صحیح است
و در لوح احمد تبشیر صحیح است نه بیشتر

Original English in Bahai News No. 214
Dec. 1948 P. 1 The Noah's Ark for the

کشتی نوح برای نجات از
طوفان مصائب دنیا

Flood of
World
Calamity

ترجمه ابلاغیه محفل مقدس روحانی ملی
ببائیان امریکا از اخبار امری
آن محفل مقدس شماره ۲۱۴

این امر طبیعی است که هر وقت انسان احساس
خطر نزدیک بکند در صد راه چاره و فکر ملجأ و
پناهی میافتد *

در میان بعضی از یاران نیز سالهاست که این
مسئله مطرح است که ببائیان در موقع خطر چه

اینکه شما باین سرزمین وارد شوید سرتاسر آن از لحاظ
روحانی جنگل و بیابان بود و حال ملاحظه کنید در ظل
تربیت تاجه حد ترقی کرده است اکنون در برابر چشم
شما یک جنگل و بیابان مستعد و باروری موجود گشت که
محتاج بتوجه دهقان است و حال این بیابان
مستعد همان قلوب هموطنان کندائی و همیه‌های
قرمز پوست و اسکیموها است *

حضرت عبدالبها* و قتیکه به مونتریال تشریف فرما
شدند این شهر را که مرکز فرانسویهای کاتولیک
در کندا است مورد عنایت خود قرار دادند و مطالب
ذیل از قلم مبارک راجع بشهر مونتریال نازل گشته است :
" ای احبای الهی - نظریقت خوش و کثرت
اقوام ننمائید پنج دانه گندم سبب برکت آسمانی
گردد و هزار خروار زوان هیچ ثرواثری ندهد یک
شجر بر سر سبب حیات جمعی شود و هزار جنگل
اشجاری ثمر نتیجه ندارد رنگ هامون بسیار و بسی
لثالی کم بدست آید یک لؤلؤ بهتر از هزار صحرای
رنگ علی الخصوص که این لؤلؤ مظهر برکت الهی
است * عنقریب هزاران لثالی از آن بوجود آید آن
لؤلؤ بهر یکی همدم گردان رالؤلؤ نماید لهذا
دوماره نگاشته میشود که مستقبل کانادا بسیار عظیم
است چه از حیثیت ملک و چه از حیثیت ملکوت مد نیست
و آزادی روز بروز تزايد خواهد نمود همچنین حساب
ملکوتی تخم هدایتی که در آنجا کشته شده آبیاری
نند پس آرام نگیرید راحت مطلبید بلند آید این
جهان فانی آلوده مشوید از هر قیدی آزاد گردید
بیان و دل بکشید که در ملکوت ابهی تمکن تمام
یابید کنز آسمانی بدست آرید روز بروز روشنتر شوید
و در درگاه احدیت مقرب تر گردید مظهر فیوضات
الهی شوید و مطلع انوار نامتناهی اگر ممکن است
مبلغین بسائرو لایات کانادا ارسال دارید و همچنین
بگرمین لند و بلاد اسکیموها مبلغین بفرستید " انتهى

میتوانند وجه باید بکنند آیا باید فی المثل قطعه زمینی در یک گوشه مزرعه آرام تهیه نمایند که نسبتاً از حمله نظامی و مشکلات اقتصادی مصون و با ازدست فراریان انجام گسیخته در امان ماند؟

باید دانست که عقیده رایج اهل بهابا سیاست فرار از مخاطرات والتجاء بمحل امنی که قبلاً تهیه شده باشند کاملاً میانین است حضرت باب و حضرت بهابا اله همواره در صف مقدم بلایائی قرار داشتند که مصائب مانند قطرات باران بر آئین مقدس مبارک حضرت عبدالبها دشمن نیرومند همواره استقبال میفرمود و هرگز در پناه کوه و کنج خلوت مأمن نمی جست علاوه بر اینها تکلیف هر یک از یاران از طرف مظهر امر کاملاً تعیین و تصریح گردیده چنانکه میفرمایند: "نیست مهرب و مفری جز او" (۱) و تنها ملجاء و پلانی ما همان اعتماد بخدمت داورند است در الواج مبارکه برای غریزه حفظ جان مجوزی نیست بلکه سال بسال دایره وظائفی که بهائیان باید انجام دهند وسیعتر میشود البته نباید محل اقامت خود را ترك نمائیم زیرا امان و امان بسته با رادة الله است و نه تدبیرات انسانی فرق میان ایمان و غریزه حفظ نفس آنست که در موقع احساس قرب خطر و مصیبت شخص مو من پلایا را رمزی از رحمت و عنایت خداوند میداند و غیر مو من از آن غافل است.

حضرت بهابا اله برای جهان متلاطم امروز کشتی نجاتی ساخته و این کشتی برای فرار نیست بلکه نظم بدیع جهان آرای او است که باید جهان پر آشوب را آرام کند. احبای الهی بوسیله تبلیغ امر الله در میان جامعه همیشه و مسافرتها تبلیغ می نمایند. بامریکای جنوبی و یاروپا دریای این کشتی نجات سپیم و شریکند.

مصلوبیت در فردا کار نیست نه در خرید قطعه زمین

نظم اداری بهائی صرف نظر از موقوفات و اماکنی که مستقیماً برای مقاصد امری مورد استفاده است دارای منظور مادی و عملیات اقتصادی نیست.

این پیام محبت آمیز و تذکره دوستانه به عنوان اشاره بیک نکته دیگر یعنی تفسیر نبوت کامل نخواهد بود و آن اینست که بسیاری از نفوس بین صحت حقیقی و شیخ گیر کرده اند و بسیاری از اینگونه نفوس ادعا میکنند که در تفسیر نبوت قدیم مهارت دارند و میتوانند روز و حتی ساعت شروع بلا و مصائب را خبر داده و جزئیات وقایع را عیناً و صریحاً بیان نمایند.

در نظر بهائیان جز آنچه در خصوص مبارکه نازل شده هیچگونه تفسیر نبوت و پیشگویی اوضاع اجتماعی صحت و اعتبار ندارد ما مفسر و مبین داریم که غیر بهائیان ندارند.

محفل روحانی ملی بهائیان امریکا

قسمت مهاجرت

هر چند مضمون سه فقره تلغراف منیع مبارک راجع بامر مهم مهاجرت زب اولین صفحات شماره قبیل گردیده و عموماً یاران عزیز ایران با اهمیت موضوع و وظائف سنگین و بر مسئولیت خویش بیش از پیش متوجه شده اند معذرت برای مزید تذکره مفاد مدلول تلغرافهای مبارک مزبور در این شماره نیز نقل میگردد.

در تلغراف اول بیانی باین مضمون میفرمایند: "در اعیان مقدسه دعا میکنم که یاران عزیز ایران وظایف سنگینی را که در قبال نقشه برهمه دارند بنحوی شایسته اجرا نمایند."

در تلغراف ثانی چنین میفرمایند:

خفیات امرکم و تتحقق آمالکم و نوا یاکم و یتهم ~~ل~~
 الملاء الاعلیٰ بذکرکم و اعمالکم و مجهوداتکم و فتوحاتکم
 و تتلاء لا الانوار من وجوهکم و تنعکس منها علی
 الخلائق اجمعین

سسسس

پس اگر نقشه عظیم تاریخی در رأس میقات معین
 اجرا و تنفیذ شود بصریح بیان مبارک آمال و نوا یای
 اهل بها متحقق و جمع مخالفین امرالله پریشان
 و ابرهای تیره از افق اقلیم مقدس ایران پراکنده
 خواهند گردید و اگر خدای لخواسته در راجه راری منظور
 مقدس مزبور تصور و تصور حاصل شود این انداز شدیدی
 مبارک تحقق خواهد دید بربط قوله الاحلی

"والا تأتید بتدریج سلب گردد و در تحقق وعود

الهیة تعمیق و تعطیل حاصل شود و هر جرئت و جسارت
 مغلین و مغرضین و مفسدین و محرکین رکینند
 بیفزاید و علت تاخیر در تأسیس و ترویج مشروطیات
 خطیره در مستقبل ایام گردد و نظم جامعه را مختل
 نماید و یاران شرق و غرب را مخموم و متاسف و محزون
 گرداند و لطمه بی شدیدیت تأسیسات و اقدامات
 و مجهودات یاران در آسمان وارد نماید"

سسسس

برای احتراز از بروز چنین مصیبت بزرگ که
 نتیجه اش سرافکنندگی و انفعال و شرمندگیست باید
 عموم یاران عزیز ایران این نصیحت مبارک مولای عرف
 و مهربان را بگوش هوش بشنوند و بجمع قوی دستورها
 مقدس را بکار بندد قوله الاحلی

"تاوقت باقی است قیام عاشقانه و تشویقات
 متزاید و موشاورات مستمر و مواهبات بلیبند
 و تعاون و تعاضد صمیمانه و تشبیهات حکیمانه
 و تمسک بوسائل تعالی لازم تا این مفسد روع جلیل که
 در تاریخ صد ساله آئین نازنین در آئین سرزمین بی مثیل
 و نظیر و عدیل است مکلل با کلیل طغی و نجاج گردد و
 علت سرافرازی یاران راستان ایران شود و روح

توجه باید بانجام حوائج نقشه مهاجرت
 در داخل و خارج ایران متمرکز گردد بنهایست
 اداکاری و عزم راسخ و حصر مساعی و استقامت بی مثل
 لازم و ضرور است جامعه های بهائی (در خان ایران)
 یکمال انتظار و مراقبت و وظایفی که طبق نقشه
 بعهده جنود مجنده پیروان امرالله در موطون
 حضرت بها الله محول گشته بنحو شایسته انجام
 پذیرد

سسسس

در تلغراف ثالث بیانی باین مضمون صادر
 "از خداوند متعال مسئلت مینمایم که محفل
 جدید را در اقدامات خویش و پیشرفت امر مهاجرت
 با تألیف خارجیه یار نماید"

سسسس

اگر این تاکیدات مبارک بمنهم به بیانات سابقه
 گردد و در دستورها ی مقدس مولای عز و ارحم
 نداه که راجع بامراضیل مهاجرت صدور یافته ا معان
 نظر شود کاملاً واضح و مشهود گردد که یاران راستان
 ایران چه ایام تاریخی و پرستولیتی را میگردانند
 و در چه مرحله خطیر و مهمی واردند و چنان باید در
 سبیل تحقق این منظور جلیل اداکاری و جالیفشیانی
 نمایند زیرا مولای توانا حضرت ولی امرالله ارواحنا
 نداه در یکی از الواح باین بیان مبارک ناظر
 قوله الاحلی

"اکلیل اعمال و منتهی آرزو و آمال و مفاطیست
 تأتید رب متعال انجام این دررضه اولیه و ایفای
 این وظیفه مقدسه و تنفیذ این نقشه بدیعه در
 معاد و میقات معین است ادا فرتم بهد المقصد
 الاسنی و الشرف الامنع الاهلی و المرتبه القصوی نورس
 الابهی تظهر مذاماتکم و تنفیع الغیوم عن الهمی
 دیارکم و تظهر طلائع النصر من بینکم و شیخ صیبت
 عزکم و امتلا بکم و یحکم التعم و البرکات عن همینکم و
 یسارکم و یشتت شمل اعداکم و خصایکم و تظهر

مقدس مولای عالمیان را در جنت علیا وافق ابهی شاد و
 مستبشر گرداند و ملا اعلی را بوجد و سرور آورد و عزیزان
 آنسا ما را باعلی رتبه عزت و رفعت و جلال رسانند
 یومئذ یفرح المؤمنون الراسخون بنصر الله وینسرح
 المبطلون والمکذبون

درین مقام شرحی که در مرداد ماه سال گذشته
 در شماره چهارم مجله اخبار اموی راجع بامر مهاجرت
 درج گردیده عینا نقل میشود تا هر یک از احباء عزیز
 الهی در نفس خود بسنجند و به بینند که در ظرف این
 یکسال که از تاریخ صد و شصت و شش مزبور گذشته چه
 اقدامی برای اجرای نقشه مهاجرت نموده اند :

این محفل ولجئه ملی مهاجرت و محافل مقدسه
 روحانیه مراکز قسمتهای امریه و محافل مقدسه
 روحانیه محلیه و تمام افراد عزیز بهائی در کشور مقدس
 ایران از زن و مرد و بیرون جوان باید در این موقع نظری
 بگذاشته افکنند بکمال دقت و هوشکافی بسنجیم
 و به بینیم که آیا در مدت بیست و چهار ماه که از آغاز
 نقشه عظیم و تاریخی مهاجرت گذشته بسهم خود
 برای اجرای این امر مهم و حیاتی چه اقدامی نموده

و چه قدمی در این سبیل برداشته ایم و چه
 نداکاری و از خود گذشتگی از ما بمنصه ظهور و بروز رسیده
 است علی الخصوص محافل روحانیه مراکز قسمتهای
 امریه که مسئول اجرای نقشه مهاجرت در قسمتهای
 خود میباشند باید در این موقع بدقت ملاحظه نمایند
 که آیا سهمی خود را از نقشه مهاجرت در این مدت
 انجام داده و بیابان رسانیده اند یا نه اگر موافق
 پانجم سهمی خود در این مدت شده اند فهم
 المطلب این موفقت البته سبب سرور خاطر و آسایش
 وجدان آنان است و بهیچ وجه و نشاطی جدید و
 روحی مستبشر و قلبی مطمئن برای اجرای بقیه نقشه
 خود را آماده و مهیا خواهند نمود و محافل روحانیه
 و افراد احباء الهی در قسمت خود پیوسته تذکر

خواهند داد که ایشان باید برای اجرای بقیه نقشه
 جانفشانی نمایند و نداکاری کنند و قیادی عاشقانه
 بفرمایند و در جمیع امور و شئون خود را مسئول تنفیذ این
 نقشه مهم تاریخی بدانند و یقین کنند که اجرای نقشه
 در موقع معین بنصوص صریحه اکیده موجب سرافرازی
 و خوشنودی احباء ایران و تمهید مقدمات استخلاص
 جامعه بهائی از قیود تضییقات و تعذیبات موجوده
 است و عکس آن خدای نخواستہ سرافکنندگی و بدبختی
 و بیچارگی و روسیاهی در دنیا و آخرت خواهد بود و اگر
 محافل روحانیه مراکز قسمتهای امریه موفق پانجم
 سهمی خود از نقشه مهاجرت در این مدت نگشته اند
 باید بتمام قوی در رفع موانع و محظورات موجوده بکوشند
 و آئی از این فکر فارغ نباشند و شب و روز نیا ساینند تا
 جبران مافات کنند و در نیمه ثانی دوره نقشه آنچه را
 در نیمه اول بجای آورده اند تلافی نمایند :

محافل روحانیه محلیه نیز همین وظیفه مقدسه
 را دارند و باید با محافل روحانیه مراکز قسمتها متعاضد
 همکاری و اشتراک مساعی نمایند و آنچه در قوه دارند
 برای انجام این منظور بکار برند :

افراد احباء عزیز الهی از زن و مرد و بیرون جوان
 باید هیچگاه مسئولیت شديده خویش را در قبال نقشه
 مهاجرت فراموش نکنند و هر قدمی که برمیدارند حتی در
 امورهای زندگانی خود باید همیشه در فکر امر
 مهاجرت و اجرای نقشه چهل و پنجاهه باشند زیرا
 واقعا مسئولیت احباء ایران در این خصوص بسیار سنگین
 و شدید است آیا ممکن است فردی از افراد احباء به
 خاطرش خطور دهد که دوره نقشه سپری شده و
 تعهدات تاریخی یاران ایران انجام ندر دیده است ؟
 هر روز صبح که از خواب بر میخیزیم اول فکری که قبیل از
 همه چیز خاطرمان خطور میکند باید این باشد که ما
 وارد مرحله نقشه چهل و پنجاهه میباشیم و مسئولیت
 اجرای این نقشه را هم در نزد خلق و هم در پیشگاه
 مقدس حق جل جلاله بعهده گرفته و بجهانیان اعلان

در یکی از نقاط داخله یا خارجه که در فوق اسامی آن مرقوم گردیده و با اقامت در آن نقطه تا موقعیکه محفل روحانی تشکیل شود و بر اثر حرکت ایشان از آن محل محفل منحل نگردد.

۲- تعیین وکیل

یعنی در صورتیکه خود بشخصه قادر بر انجام این منظور مهم و حیاتی نباشند و کیلی از قبل خود معین نمایند.

۳- مساعدت مالی

یعنی اعانت مالی بصندوق مهاجرت که در خانه این نقشه شرح آن داده شده است.

۴- مسافرتها تشویقی

یعنی بمنظور استطلاع از احوال و اوضاع مهاجرین محترم که منقطعاً عن الله بمرکز لایم - المهاجره هجرت اختیار فرموده اند بانظر و استصواب محفل مقدس روحانی مبادرت بمسافرتها تشویقی نمایند.

۵- مساعدت بمحصلین

یعنی بمحصلینی که خانواده آنان بنفساط دوردست هجرت نموده و اطفالشان از وسائل تحصیل محروم مانده اند مساعدت لازمه ابراز و یک یا چند نفر از اینگونه محصلین را در خانه های خود پذیرفته و از آنان نگهداری نمایند و با مساعدتهای لازم دیگر برای انجام این منظور ابراز دارند.

۶- دعا و مناجات

یعنی در احیان توجه و تضرع بآستان قدس الهی برای موفقیت مهاجرین و نزول تأیید بر آن بندگان مخلص حضرت رب العالمین دعا و مناجات

نموده ایم که مایاران ایران در عرض چهل و پنجمه بموجب نقشه چنین و چنان خواهیم کرد و مولای رؤف و مهربان بکمال صراحت اخبار فرموده اند که اگر این نقشه اجراء نشود شاید سلب گردد و در تحقق و هواد الهیه تعطیل و تشویق حاصل شود. وقتی این فکر بخاطرمان خطور کرد و اهمیت موضوع و مسئولیت شدید مادریش چشم مجسم شد بهرکاری که مشغول شویم و هر گجا که برویم دائماً باین فکر خواهیم بود که چه کنیم و چگونه رفتار نماییم تا این تعهد بکمال موفقیت انجام شود و اگر این روش معمول شود و هر فردی از افراد جامعه بهائی خود را مسئول اجرای نقشه بداند و هرکاری که از دستش بر میآید در این راه انجام دهد و بیانات مبارکه و تاکیدات شنیده مولای توانا حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه را دائماً در مد نظر خویش نگاه دارد ممکن است امیدواری کامل حاصل نمود که در راس موعده معین این نقشه انجام و اتمام خواهد شد پذیرفت والا با حرکت خفیف و اقدام ناقص و غفلت از انجام این وظیفه وجدانی و انهمک در امور دنیوی و ترجیح منافع شخصی و مادی بر مصالح عمومی امری ممکن است بیست و چهار ماه باقی مانده نیز بگذرد و نقشه اجراء نگردد در آنوقت واقعاً خسران مبیین نصیب اعمال کنندگان خواهد بود.

طریقه قیام افراد احباء الهی برای

اجرای نقشه مهاجرت

((استخراج از متن نقشه چهل و پنجمه))

ماده پنجم - افراد احباء الهی برای اجرای نقشه چهل و پنجمه بیک یا چند طریقه از طرق ذیل میتوانند کمک و مساعدت مؤثر و لازم ابراز نمایند.

۱- مهاجرت

یعنی قیام با اجرای امر مهاجرت بقصد توطن

اقدام در امور روشن عمومی و اجتماعی جامعه بهائی در هر کشوری از قبیل مراجعه بدولت بنام جامعه و مانند آن از وظائف مختصه محفل روحانی ملی آن کشور است و افراد بهیچ عنوانی حق مداخله باینگونه امور روشن نداشته و ندارند و بموجب نظامات اداری بهائی فقط میتوانند نظروپیشنهادهایشان را یادروموقع مشورت در جلسات ضیافات ۱۹ روزه اظهار نمایند و بارأسا و مستقیما بمحفل روحانی محلی مرقم دارند تا در صورت تصویب واقتضا بموقع عمل و اجرا گذاشته شود.

باوصف این حال اخیر آقای چراغعلی تبیانسی سنگسری برخلاف مقررات و نظامات بهائی و علی رغم تذکرات متوالیه که سابقا و لاحقا باوداده شده خود سرانه درینگونه مسائل عمومی امری که از وظائف مختصه محفل روحانی ملی بهائیان اینسران است و بهیچوجه ارتباطی با تقاضاهای شخصی افراد ندارد نامه هائی بجرائدمهمه و مقامات عالیه کشوری نگاشته و اصرار در اخذ جواب داشته است.

این محفل مشارالیه را بر اثر این اقدام بیرویه مورد توبیخ قرار داده و امیدوارچنان است که در آینده باینگونه امور مبادرت نرزد و مقررات و نظامات اداری بهائی را کاملا رعایت کند.

بدیهی است عموم افراد احباء الهی در ظل تشکیلات امری قرار داشته و بروفق اصول نظم بدیهی رفتار خواهند نمود و در موقع غلبه احساسات بدون مشورت محافل روحانی بامری که خان از حدود وظائف افراد است مبادرت نخواهند ورزید زیرا انحراف از اصول مسلم تشکیلات بهائی خسرون از رضای الهی است.

فرمایند بدیهی است اگر افراد احباء عزیز الهی یک یا چند طریق مزبوره در فوق را برای کمک باجرایی امر مهم مهاجرت اختیار نمایند نقشه چهل و پنجماهه بتاج نجاج و فلاح متزوج و باکلیل موفقیت عظمی مکمل خواهد گردید.

تبصره - هر یک از افراد احباء الهی در موقع قیام بامر مهاجرت بمحفل مقدس روحانی محل خویش مراجعه و اطلاعات لازمه را برای انجام این منظور تحصیل خواهند نمود.

تقوم مهاجرت

در آخر خرداد ماه سنه ۱۳۲۸ سی و دوماه و دوازده روز از روز تصویب نقشه چهل و پنجماهه مهاجرت گذشته و دوازده ماه و هیجده روز تا پایان آن باقی مانده است

ابلاغات محفل ملی

اول - انفصال اداری آقا محمد مجد

چون آقای محمد مجد مقیم گرگان علی رغم نصوص صریحه اکیده مبارکه و باوجود اندازات مکرر کتبی و شفاهی این محفل بامریکه حائز جنبه سیاسی بوده مداخله ورزیده این محفل ناچار انفصال اداری مشارالیه را از جامعه بهائی بدینوسیله بعمل یاران عزیز ایران ابلاغ مینماید.

دوم - لزیم رعایت نظامات بهائی

همانطور که احباء عزیز الهی کاملا مستحضرنند

قسمت تبلیغی

طرق پیشرفت امر تبلیغ

جناب هائی نجف آبادی و وفقره از ترجمه بیانات مبارکه برای دنج در اخبار امری ارسال داشته اند که اینک زیب این اوراق میشود :

اول - ترجمه بیانات مبارکه مولای توانا ارواحنا فداه خطاب بمحفل مقدس روحانی ملی امریکا استخراج از اخبار امری ایران شماره ۶ سال ۱۱ "مؤمنین بایستی امر را بجمیع حتی بآنان که بنظر مستعد نمایند ابلاغ کنند زیرا مقیاس حقیقی نفوذ کلمه الله را در افکار و قلوب نفوس نمیتوانند قضاوت نمایند بایستی ابلاغ کلمه کنند حتی بآنان که بصورت ظاهر فاقد هرگونه قوه قبول تعالیم میباشد شاید علت عدم موفقیتتان در میدان تبلیغ همان است که بیشتر ناظر بضعف و عدم لیاقت خود برای افشای کلمه الله میباشد حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء کرارا تاکید فرموده اند که نظر بعجز خود ننموده بلکه جمیع توکل و اعتمادمان را بخدا و اگر اریسم بحضر اینکه قیام نمودیم و واسطه فعال فیض و نزول رحمت الهی گشتیم عون و عنایت حق شامل حال میگردد آیا تصور میکنید که مبلغین قادرند که عقاید را تخییر داده و یا قلوب را تقلیب نمایند کلا و حاشا آنها فقط نفوس مجرده نمی هستند که خود را تسلیم ننموده تا در حضرت بهاء الله بهر نحوه اراده فرمایند ایشان را بحرکت انداخته مورد استفاده قرار دهد اگر نفس از آنها ولو برای یک ثانیه فکریا تصور کند که خدمات او در نتیجه لیاقت شخص او بوده کارش تمام و سقوطش شروع میگردد این است منتهی علتی که عده ای از اشخاص لایقه مقتدره با وجود خدمات جلیله بختنا خود را بکلی عاجز یافتند چه بسا که

روح دافع امر آنها را چون نفوس فاعله متروک ساخت میزان موفقیت حدی است که خود را تسلیم نموده تا اراده حق بوسیله ماعمل نماید

Neither the threatening —

A.D.J. Page 42 دوم - مضمون بیانات مبارکه که در لوح منبسط "ظهور عدل الهی" نازل شده :

"نه اوضاع تحدید کنند عالم و نه ملاحظه فقدان وسائل مادی و عدم انصاف بکمالات و فقدان علم و تجربه که ظاهر امور مدعی و مطمح نظر است نباید هیچ نفس را که برای قیام به تبلیغ پیش قدم و پیش آهنگ است مستقلا از قیام باز دارد و یا حائل و مانع شود زیرا قوائی که حضرت بهاء الله مکررا با اطمینان فرموده همیشه بکار رود مانعند مغناطیس جاذب تأییدات موهوده لاریبه حضرت بهاء الله است چنین نفسی نباید منتظر هیچگونه دستورات و یا متوقع هیچگونه تشویق مخصوص از طرف نماینده گان منتخب جامعه خویش شود و یا سبب هیچگونه موانعی که اقوام و یا هموطنانش بخواهند در سبیل او ایجاد نمایند از مقصود بازماند و یا آنکه توجه و اعتنائی بعلامت خورده گیران و تنقیح دشمنان و متقدمین خویش نماید حضرت عبدالبهاء بهر کس به تبلیغ امرش قیام نماید چنین میفرماید همین که حامل پیام الهی که فائق صبح هدایت است گشتید باید مانند باد آزاد و مطلق العنان باشید ملاحظه کنید نسیم چگونه وفادار است و در هر حال آنکه نسبت بآنچه خداوند برای او مقدر فرموده تفویض بر تمام نواحی ارض ام از مسکون و غیر مسکون مرور مینماید و منظره و برائی و دمار و علائق موفقیات و کامرانی بهیچوجه نمیتواند او را متاثر و یا مسوور گرداند بل بر حسب امر و اراده موجد خویش بهر جهت میوزد

ادبی بین جوانان و انتشار مجله ماهانه "شمس" از
افروخته "که شماره اول آن انتشار یافته است از
اقدامات لجنة جوانان اصفهان در چند ماهه اخیر
است.

لجنة جوانان قزوین بمنظور کمک به جوانان کلاسی
ترتیب داده که در روس سیکل اول متوسطه در آن تدریس
میشود. مجله ماهانه صبح امید نیز مرتباً
انتشار مییابد. در کرمان کلاسهای عشق نطق
استدلال عقلی و نقلی که فی السابق دایر بود
۱۱ روز ایام صیام ظهرها نیز کلاسها دایر بوده
کلاسهای معلومات امری شیراز که عبارت از کلاسهای
نظم اداری - تاریخ امر - استدلال - عربی -
انگلیسی و احکام میباشند مرتباً دایر است
ج - مهاجرت و تبلیغ

در اصفهان سه احتفال تبلیغی جوانان دایر
که جوانان غیر بهائی نیز در آن شرکت داشته اند
و بهشت نغرازان کتب امری تسلیم شده است. در
جلسه تحریر حقیقت نیز تشکیل شده است. سه
احتفال بمنظور پیشرفت امر هجرت و کمک به نقشی
مهاجرتی و انجام سهمیه جوانان در آئین دینه منعقد
شده و بمبالغی وجه در آن احتفالات و جشن جوانان
برای هجرت جمع آوری گردیده است سه نغرازان
جوانان اصفهان موفق به مسافرت ملاقاتی به محمدیه و
سه نفره کشته گردیده اند.

لجنة جوانان بهائی قزوین ۵ احتفال هفتگی
تبلیغی را مرتباً اداره نموده با ۵ نفر مداکرات
تبلیغی بعمل آمده است. احتفالات هفتگی جوانان
کرمان مرتباً تشکیل داده و زیادتی مذاکرات تبلیغی
بعمل آمده است. جوانان بهائی شیراز دارای
۸ احتفال تبلیغی میباشند که با ۲۳ نفر مذاکرات
تبلیغی نموده اند که ۴ نفر با امر مبارک ایمنان
آورده اند. در جلسه احتفال تکمیلی جهت مصدقین

قسمت جوانان

این قسمت تحت نظر لجنة ملی جوانان
بهائی ایران اداره میشود
۱- اخبار داخل

الف - اخبار جشن جوانان

بر حسب راپرت لجنة جوانان بهائی آران جشن
با حضور کلیه جوانان بهائی تشکیل و برگزار آن بنحو
احسن اجرا گردیده است و علاوه بر مبالغی که از
طرف جوانان جهت مصارف امریه تقدیم شده است
عده ای از جوانان نیز حاضر به مسافرت تشویقی شده
اند. در شام آباد عراق نیز جشن با حضور کلیه
جوانان تشکیل و عده ای حاضر به مسافرت تشویقی
شده اند. در کرمان چون بنعلی تشکیل جشن در
اسفند ماه میسر نبود در ایام رضوان جشن تشکیل و
برگزار آن اجرا گردیده است ۸۰ نفر از جوانان حاضر
به مسافرت تشویقی شده اند و عده ای نیز مبلغی
بصندوق هجرت تقدیم کرده اند در کوشک آبسان
جلسه جشن با حضور ۳۰ نفر از جوانان تشکیل و برگزار
ارسانی اجرا گردیده است.
ب - معلومات امیری

لجنة جوانان اصفهان با کمک کمیسیون معارف
امری موفق به ترتیب و تشکیل قرائت خانه در حظیرة
القدس شده اند که هفته ای در روز برای استنباده
عموم مفتوح است. کلاس مشق نظق ۱۵ روز یکمرتبه
دایر. مجمع جوانان که در بدو تاسیس ۱۵ روز یکمرتبه
در منازل احباب تشکیل میشد حالیه پس از تعمیر و تزئین
سالن در حظیرة القدس همه هفته با وضع شایسته
و برنامه های جالب تشکیل میشود. ترتیب مسابقات

لجنه ملی جوانان نیز اعزام گردیده است •
انجمن های محلی جوانان قسمت امری گیلان و
خراسان در اول تیرماه جاری در رشت و مشهد و
انجمنهای شور روحانی جوانان همدان در ۳ خرداد
و تبریز در ۵ و ۶ تیرماه تشکیل میشود •

نتایج حاصله از انجمن های مذکور پس از وصول
اخبار و تصمیمات متخذه در مجله اخبار امری درج
خواهد گردید از لجنات مجله جوانان مسرراکز
قسمت ها بدینوسیله تقاضا میشود که هر چه زودتر
نسبت به تشکیل انجمن های محلی اقدام فرموده و
قبل از ۳۱ تیرماه ۲۸ که تاریخ تشکیل انجمن
شور روحانی ملی جوانان در طهران است نمایند
خود را تعیین و بارهت جامعی از اقدامات
جوانان قسمت امری خود بطهران ارسال فرمایند

۲- اخبار خارج

نقل از نشریه لجنه ملی جوانان بهائی آلمان

مصر - انجمن جوانان بهائی در قاهره
تشکیل و مذاکرات در خصوص فعالیت جوانان در
اجرای نقشه پنج ساله بوده است طبق امریه مبارک
حضرت ولی امرالله ارواحنا لعنایاته الفدائش
پنج ساله مربوط بمصرو سوندان در سال ۱۹۵۳ خاتمه
می پذیرد و نقشه مزبور بر اساس ترویج امرالله در
قاره افریقا تنظیم گردیده است و بنا بر این تصمیمات
متخذه در سومین انجمن جوانان بهائی مصر بر
پایه فعالیت بی حد و حصر برای حصول بمظهور
اصلی فوق و اتحاد عالم انسانی و ایجاد بنای صلح
و محبت استوار شده است •

آلاسکا

اخبار امری آلاسکا حاکی از پیشرفت امرالله

تشکیل شده و بر اثر مهاجرت چند نفر از جوانان وعده ای
از احبای شیراز یک محفل جدید در قسمت امری فارس
تشکیل شده است •

د - لجنه جدید التأسيس

طبق مرقومه لجنه جوانان اصفهان اخیرا در
مهدی آباد (شور آب کبیر) لجنه جوانان تشکیل
شده است •

ه - ارتباط - تعاون و تعاضد

کمیسیون تعاون و حفظ الصحة لجنه جوانان
اصفهان موفق شده است تعداد ۸۸ بسته مسود
غذائی و مقداری وجه جهت احبای اروا جمع آوری و
ارسال دارد - تعداد ۴۰ جلد کتابچه بمنظور
تشویق اطفال کشف به تحصیل بایشان تقدیم شده
است • برای تذکر مطالب صحی مسافرت هائی بدو
نقطه اطراف اصفهان بعمل آمده است •

کلوپ جوانان بهائی قزوین در بهمن ماه ۲۷ با
حضور اعضا محفل مقدس روحانی و احبای عزیز با برنامه
جالبی افتتاح و دائر گردیده است • سه نفر از جوانان
بهائی کرمان در سه ماهه اخیر بنقاط رفسنجان -
بم - بندر عباس مسافرت نموده اند یکی از جوانان
اما الرحمن بنمایندگی لجنه جوانان کرمان در جشن
جوانان رفسنجان شرکت جسته اند •
و - انجمن های محلی جوانان

طبق اطلاع واصله از لجنه جوانان کرمان انجمن
محلی جوانان آن قسمت در تاریخ ۲۱ خرداد ماه تشکیل
و مدت دو روز ادامه خواهد داشت • لجنه ملی
جوانان نیز نماینده جهت حضور در این انجمن اعزام
داشته است •

انجمن شور روحانی محلی جوانان بهائی شیراز
در ۲۶ و ۲۷ خرداد ماه جاری تشکیل و نماینده

در آن سامان است اخیراً دستگاه بی سیم آلاسکا موافقت کرده است که هفته ای یکبار بهائیان مجاناً از دستگاه بی سیم استفاده نمایند و آنان بدینوسیله خواهند توانست ندای وحدت عالم را بشنوم و برسانند.

دانشمارك

در تاریخ ۴ و ۵ دسامبر جوانان سه شهر اسکاتلند و یانودردانمارك تشکیل جلسه داده و بمعیت یکدیگر در ترجمه آثار و نشریه های امری اقدام نموده اند.

از مطبوعات خارجه

در سال ۱۳۵۲ هجری قمری کتابی بنام "حاضر العالم الاسلامی" (اسلام امروزه) که اصل آن بقلم لوثروب ستو دارد امریکائی تألیف و بهمت استاد عجاج نویسنده از انگلیزی پرسی انتقال یافته در قاهره مصر طبع و منتشر گردیده است نویسنده مشهور اسلامی شکیب ارسلان که او را (امیرالبیان) و "مجاهد کبیر" نیز مینامند تذیلی بر آن کتاب نگاشته و در ضمن فصل "بایبیه" شرحی راجع بحضرت مولی الوری جل ذکرة و ثنائیه برشته تحریر درآورده است چون اخیراً بعضی از نویسندگان ایرانی در برخی از مجلات مرکز شرح ملاقات خود را با حضرت عبدالبهاء ارواحنا لمرسده الاطهریندا مرقم و منتشر نموده اند مناسب دیده شد که آنچه این نویسنده توانا راجع بحضرت عبدالبهاء نگاشته درین مقام درج شود تا خوانندگان عزیز این اعترافات را بقصائد و لوائح و خطابات دانشمندان ملل مختلفه که در موقع صعود حضرت عبدالبهاء انشاء و انشاء و القاء

نموده اند منضم فرمایند و فرق بین نگارشات برخی از نویسندگان ایرانی و مؤلفین منصف ممالک دیگر را احساس کنند.

(این مقاله را جناب فاضل علوی از عسری

بفارسی ترجمه فرموده اند)

"عبدالبهاء" عباس درس هشتاد سالگی بحال باقی رحلت فرمود عبدالبهاء آیتی از آیات بزرگ خدا بود حق جل جلاله جمیع حقایق بزرگی و اصالت و نجابت و فضائل و مناقب را در

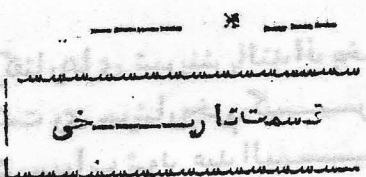
وجود او جمع فرموده بود. بسیار نادروقلینند کسانی که باین همه کمالات علمی و روحانی آراسته باشند عبدالبهاء دارای جود و سخاوت بی نظیر و اخلاق نرم و لطیف بی مثل و عدیلی بود حرص عجیبی بخیرات و مبرات و خدمت عالم انسانی داشت دستگیری به بیچارگان و دادرسی بمظلومان

و دنیای و دلجوئی مسکینان را بدون ادنی فتور و ملالتی فرض نموده خود میدانست همیشه اوقات خود را صرف برآوردن حاجات فقرا و احتیاجات درماندگان میکرد دارای علو طبع و بزرگی نفس و همی عالی و نفوذی متعالی بود مانند شمسی که برنده اراده خود را در طرف مقابل تنفیذ میکرد سرعت خاطر و منطق محکم قوی و وسعت علم و وفور حکمت و دانش وی انسان را متحیر و مندهش میساخت بلاغت عبارات و فصاحت کلمات وی در درجه اعلی بود بیانات عبدالبهاء همیشه دارای حقیقت و راهنمای طریق صواب و گفتارش پیوسته فصل الخطاب بود مکاتیب و نوشتجاتش مانند قطعات مزین بجواهر نفیسه و مطرز بطراز گوهرهای پر قیمت چشم ظاهر و دیده قلب را روشن مینمود. فیض بیاناتش دارای کلمات جامعیه پر معنی و حکمت و ابرآسمان دانش و علم وی مانند سمیل خروشان همیشه در جریان و ریزش بود شخص عالم و عاقل و ادیب همیشه آرزو دارد که در تمام مدت عمر از حضور و مجالست وی منفک

شود و روح خود را از گفتارهای شیرینش التذاذ بخشد
و از نگویند های علم و حکمت وی سرشار و خرم گردد
و از منهل عذب زخارش سیراب شود عبد البها
آخرین درجه عقل و حکمت را دارا بود و در آلهیهات
مثل اعلی الهی بود . در اصالت رأی و نظر عمیق و
توت برهان و محکمی استدلال نظیری برای او نبود
در عظمت اخلاق و علم بمقامی بود که اگر کسی بگوید
عبد البها فرید دهر و وحید عصر است به دوران بود
یقیناً راه مبالغه نه پیموده است .

اگر کسی اظهار کند که مادر روزگار در صد سال
مانند عبد البها کسی را بوجود نیاورده است البتة
خطا گرفته و گفتارش مملو از صواب و حقیقت است عبد البها
اگر در یکی از بایستختهای بزرگ دنیا زندگی میکرد
محیط فضل و دافق علم و دانش وی وسیع تر از آن ممالك
بود و میدان ممالك بزرگ برای این یک تاز مضممار
علم و عظمت تنگ و کوچک میگردد کرسی حشمت و
جلال در برابر بزرگی او بسیار کوچک و حقیر بود اعالی
عکامقام شایخ عبد البها را کاملاً میدانستند و
احترامش را بنهایت درجه رعایت مینمودند بواسطه
اخلاق عظیم عبد البها مردمان عکا نیز تربیت شده
بودند در شرف و خشونتشان مبدل بلطف و ملائمت
گردید قدرشان بلند و زندگانیشان مملو از سرور
و خوش گشت و با صد و پنجاه نفر از ایرانیان از پیروان
وی که همگی دارای علم و صنایع و ادایع بودند
و افتخار خد متکداری این عائله شریف و بیت منهف
را داشتند بحرمت و انسانیت رفتار نمودند ایرانیان
مقیم عکا بواسطه عشق و علاقه مفروط بعبد البها
از اوطان خود هجرت نموده مجاورت و لقای وصال
بر جمیع اشیا نفیسه عالم ترجیح دادند عبد البها
عباس هم آنها را در سایه رافت و رحمت خود محفوظ
و مسرور میداشت عبد البها تمام معنی الکلمة
قابل و لایق ریاست و امامت بود و دارای وقار و نفوذی
بود که در کوههای سخت اثر میکرد صاحب هیمنه

و عظمت و جلالی بود که بزرگان دنیا و نوابخ روزگار در
حضورش خاضع و خاشع بودند دارای حشمت و
هیبتی بود که جز در سلاطین و مردمان بزرگ دنیا
دیده نمیشد با وجود این هیمنه و جلال مجالست و
مصاحبت با وی پراز لطف و محبت و گشاده رویی بود
مکاتیب و رسائل وی هنگامیکه خوانده میشد بینهایت
مؤثر در قلوب میگشت واد با و فضلا مکاتیب و براماتش
جواهر نفیسه موده در خزانه ملوک در سینه خود
ضبط و ثبت میکردند من مکتوبی که عبد البها بر
سبیل مزاح و شوخی و ظرافت برای یکی از پیروان
خود که در عداد شعرا بیروت محسوب است نوشته
در این جا نقل میکنم تا خواننده بر قدرت علمی و
ادبی و تصرف و اقتداری در لغت عرب با وجود اینکه
زبان اصلی و مادری وی نیست مطلع و آگاه گسرد
و این است صورت آن رساله (من صیدک فی
صیدا و حیفک فی حیفا و نفخک فی الصور و نفخک
فی الناقور) اگر مقتضیات زمان و مکان بامن همراهی
کند بسیاری از رسائل رشیه فصیح و مستطاب
انیه بلیغه او را که دلیل بزرگی است بر علو مقام
او در بلاغت و عربیت هر آینه منتشر کرده و خواهم
کرد عبد البها از نظر لطف و مرخمت با این بنده
عاجز حقیر مکاتبه مینمود چهل مودت خود را همیشه
محکم و جانب دوستی و صداقت خویش را پیوسته
رعایت میکرد مکرر قصد کردم که عازم عکا شوم مقصودم
از این مسافرت استفاضه و استفاده از بحر موج علم
عبد البها بود تا اینکه این آرزو برای من میسر
گردید و افتخار حضورش را یافتم روزی در اثنا مکالمه
و محاوره بطریق غیر مستقیم بدون اینکه من شخصا
مستقیما سئوالی در این خصوص کرده باشم صحبت
از حضرات بابیه بمیان آمد من باطن اخیلی مایل
بودم که در خصوص حضرات صحبتی بمیان آید تا از
محضوری استفاده کامل نمایم موقع را غنیمت شمردم
عرض کردم آیا ممکن است یک نفر از افراد بشر بدون



نقل از کتاب (فرائد) تالیف جناب
ابوالفضل گلپایگانی

((بقیه از شما ره های قبل))

در وجوب محاربه آنحضرت با خود متفق ساخت و
باصح روایات بانو هزار سپاه بعزیمت حرب از عاصه
بلاد سوریه خارج شد و حضرت امیر علیه السلام نیز
بارو ساری اصحاب و اکابر اهل ایمان که غالباً از اجله
صحابه نبویه بودند و همین مقدار از عساکر مستعد
محاربت و مضاربت کشت و امواج این دو بحر زخار
در حدود صلیب کموضعی است بین الشام و العراق
متلاطم و متبادم شد و لکن چون خلاصه رجال اسلام
همینان بودند که در این موضع مجتمع گشتند از خوف
استیصال عرب و زوال اسلام و قلبه اجانب هیچیک
از روی ساری ظریفین بحرب سلطانی و قتال عمومی
رضانیدادند و غالب ایام را بمخاطرات کتبه و
بمناوشات عسکره اکتفا مینمودند و این حالت
قریب پنجاه امتداد یافت و طریقی از برای اصلاح
کشود نشد و صبر طرفین نقاد گرفت خاصه که بعضی از
اکابر رجال مانند همار بن یا سرودی الشهادتین و غیر
از اکابر صحابه رتبه شهادت یافتند و از طرف
معهوبه نیز بعضی از کبار امراء مانند عبید الله بن عمرو
شرجیل بن ذی الکلاع که از اجله امرای عرب
قتیل اغراضی شخصیه و صریح مناسد اموریه گشتند و
این فقرات نیز بر احقاد دیرینه افزود و باب صلح
و اصلاح را بکلی مسدود نمود تا آنکه واقعاً
حربه عظیم که بلسان مورخین بلسان الهی معروف

اینکه تصریح کنم بنام باب یا بها الله متصف بمصفا
الو هیت و محل تجلی اسماء ربوبیت کرد و عبد البها
در جواب ستوال من اینطور فرمود که صفات از قبیل علم
و قدرت و امثالهما معانی عارضه بر ذوات و موضوعیه هستند
معانی هیچوقت در خارج مانند مجردات متجسمند
و متجسم و متشخص نخواهد شد در این خصوص بیانات
زیادی نمود و دلائل بسیاری بر محال بود این تنظیه
یعنی تمثیل و تجسم صفات و معانی اقامه فرمود سپس
من عرض کردم پس چرا مردم میگویند بعضی از افراد
بشر دارای صفات خدائی و مظهر الوهیت میباشند
در جواب فرمودند خیر قضیه اینطور نیست که مردم
میگویند هیچوقت حدیث منقلب بقدیم نشود و شئی
حادث بمبدل بقدیم نگیرد ولی حادث بقدیم
استعداد خویش از حضرت قدیم استفاده و استفاده
نماید این کلمه " بقد راست داده " را مکرر میکرد
و میگفت " بقد راست داده بقد راست داده " و فقیده
بخاطر دارم که روزی در محضر عبد البها بودم که
بقضا و قدر را شرح میداد من عرض کردم بعضی از
اشخاص چنین و چنان میگویند فرمودند آنها عوامند
عرض کردم بعضی از علما با این عقیده حضرات موافقت
نمودند در میان علما هم عوام زیاد پیدا میشوند
از جمله مطالبی که بر همه ما معلوم است اینست که
عبد البها بعد از اعلام آزادی و مشروطه شدن
دولت عثمانی و استخلاص محبوسین که از آن جمله
عبد البها بود مشارالیه مسافرتی بامریکا فرمود و
اراد تمندان وی بانهایت صمیمیت از ورود ایشان
اظهار خلوص و مسرت کردند و از دیدن عبد البها
ایمان و اعتقادشان محکم تر گشت و رمد تیکه مقیم امریکا
بود در مساعید و کنائس و کلیساها موعظه میکرد تجالیم و
مبادی بهائیت را در اغلب مجامع تبلیغ و منتشر مینمود
بعد از آن مسافرتی بارها کرد و از اتباع خود تفقد
زیادی نمود سپس بعکا و حیفا برگشت و در سنه ۱۹۲۱
دعوت پروردگار خود را اجابت نمود و بعالم باقی انتقال

است وقوع یافت و در این حادثه کبری سی و هفت هزار نفس از طرفین مقتول شد و سبب انزجار قلوب و نفوس گشت . و اخیراً با مرتحکیم در مدت چهار ماه مهسبات منت مقرر شد و در این مدت چهار ماه جمعی از کبار سادات و قراء قرآن از محاربات مذکوره اظہار انزجار نمودند و حضرت امیر را موجب اختلاف کلمه مسلمین و اهراق دماء برپیه پنداشتند و در خلوات و مجالس با آنحضرت و ذی النورین و معویه ظہور این مفاسد را منسوب داشتند . خاصه که امر تحکیم بر نهج حيله و فریب نه بر مشہج صدق و صلاح است انقضای یافت لہذا انسانک عراق کہ غالباً از قطعات و مسرفت بنی بہرہ بودند این فقرہ را دست آویز تجویز محاربه آنحضرت نمودند و بعد الاخذ والرد واقعہ نہروان وقوع یافت و در این محاربه نیز قریب چہ ہزار ہزار نفس از رؤسا و افراد عرب مقتول و معہود گشت و این حوادث یکبارہ بر غیظ قلوب و ایجساد وسائل اختلاف برافزود تا آنکہ در سنہ ثلثین از رحلت نبی و تاسیس خلافت مطابق سنہ اربعین ہجری امر شہادت امیرالمومنین صلوات اللہ علیہ وقوع یافت و قلوب احباب آنحضرت از این حادثہ کبیرہ ترین احزان کثیرہ گشت . و از این جملہ کہ ذکر شد معلوم گردید کہ تا این وقت بذور سہ اختلاف بزرگ در آن حدیقہ فنا و شریعت بیضا مغروس شد و من دون اینکہ هنوز بتفریق اسامی مذہبہ و اختلافات فرعیہ منتهی گردید ہیات جامعہ اسلامیہ مستعد ظہور سہ انشقاق بزرگ گشت و منشا کل این اختلافات کیفیت تاسیس خلافت بود و طمع بلسوغ بر تہ سلطنت و امارت . زیرا کہ جمع کثیری از رؤسا مسلمین خلافت نبویہ را بسبب قرابت قریبہ حق حضرت امیر و اولاد آنحضرت دانستند و اثبات این مقام را بنص نبی یا امام سابق منوط و موکول شمرده بودند و این فرقہ من بعد باسم شیعیہ موسوم گشتند . و جمع کثیری دیگر خلافت را باتفاق اہل حل و عقد

موکول داشتند و باتفاق و اجماع امت منوط گرفتند و اینان من بعد باسم اہل سنت و جماعت تخصیص یافتند و جمعی دیگر احدی را صاحب استحقاق این رتبہ ندانستند و بحکم کلمہ لا حکم الا للہ نفسی را پس از شیخین مستحق ریاست مطلقہ نشناختند و محاربه اہل استبداد را عین جہاد و اہم فرائض انگاشتند و این طائفہ باسم خوارج من بعد معروف گشتند . و بالجملہ پس از شہادت حضرت امیر بسبب مصالحہ حضرت امام حسن امر خلافت بر معویہ استقرار یافت و قدمش در خلافت را سخ شد معاویہ کہ بذکاوت و تدبیر موصوف بود ملاحظہ نمود کہ با وجود فضائل ظاہرہ باہرہ اہل البیت سلام اللہ علیہم و قرابت قریبہ ایشان بر رسول اللہ خلافت امویہ استقراری نخواہد یافت و دیر باز و ثانیاً این رتبہ علیا بآن بیت کرامت و مجد منتقل خواہد شد لہذا اعداء اہل البیت را بخود تقرب نمود و دوستان ایشان را از مناصب و امارات محروم داشت و جمعی را با جرت بوضع احادیث مامور نمود تا بروایات مجعولہ بحضرت امیر و اولاد گرامش امور ناایقہ نسبت دهند و قلوب مسلمین را از ایشان متنفر دارند و بالعکس فضائل کثیرہ در حق دیگران روایت کنند لہذا اسوق اختلاقی نفاق یافت و احادیث مختلفہ بین المسلمین مشہر شد زیرا کہ بعضی نظیر حب مال و قرب ملوک با احادیث مجعولہ موضوعہ متمسک میشدند و بعضی دیگر بسبب دیانت و تقوی آنچه فی الحقیقہ مسموع داشتہ بودند براستی و صداقت روایت میکردند از این جہت باب علم حدیث مفتوح شد و وجوہ قوم از کتاب اللہ و مبین حقیقی او کہ بحکم انی تارک فیکم الثقلین ثابت و منصوص بود مصروف گشت و سبب امیرالمومنین علیہ السلام بر منابر سنت و دایرہ شد . و در عہد خلافت معاویہ فتوحات اسلامیہ شرقاً بحدود جیحون و غرباً بقیروان بلوغ یافت . و معاویہ در سنہ ستین ہجریہ وفات نمود و خلافت بیزید منتقل شد و حادثہ ہائلہ شہادت

سید الشهدا علیه اطیب التحیه والثناء پیش آمد
و این واقعه عظیمه بر تنافر قلوب و انشقاق امست
برافزود زیرا که این چنین حادثه شنیعه از هیچیک
از ملل و امم سابقه ظهور نیافته بود خاصه که بنی
امیه یوم ورود اهل بیت طهارت را بشام چون عیدی
محسوب داشتند و دمشق را زیست کردند و یکدیگر را
تهنیت گفتند و رؤس شهدا را در مدت خلافت یزید در
بلاد سوریه شهر بشهر گردانیدند و از فن ممانعت
کردند و بالجمله چون یزید وفات یافت و پسرش
معویه از سو اعمال پدر و اقارب تبرائمه ترک
خلافت گفت مجدداً بسبب تعیین خلیفه قلاقل کبیره
روی داد و اهالی حرمین شریفین بر خلافت عبد الله
بن زبیر که در ایام حیات یزید سر خلافت برآورده بود
متفق شدند و جزیره العرب و بلاد عراق را بحیطه
تصرف و تسخیر آوردند و اهالی شام در تعیین خلیفه
مختلف گشتند و در این اثنا مختار بن ابی عبیده
ثقفی که بشجاعت و شهامت معروف بود از مکه بعراق
ورود نمود و اهالی عراق را که بحب آل البیت موصوف
بودند بخلافت محمد بن علی المعروف بابن الحنفیه
و طلب نار شهدا دعوت کرد و کوفه و بلاد بین النهر
را تاحد و آن را بیجان مسخر داشت و تقریباً هشتاد و
سه هزار کس از قتل سید الشهدا و دوستان بنی
امیه را ببادی عدم فرستاد و سر از شش سال امارت
شعله حیاتش در محاربه مصعب بن زبیر فرونشست
و اهالی شام بر خلافت مروان بن الحکم و بعد از فوت
او خلافت فرزندش عبد الملك اتفاق نمودند و عبد
الملك که اکبر و اعظم خلفای امویه محسوب میشود
نخست بر مصعب بن زبیر و سر از قتل او بر عبد الله بن
زبیر غلبه یافت و دیگر باره خلافت اسلامیّه تماماً در بیت
بنی امیه استقر و گرفت و بالینکه همواره میان خلفای
بنی امیه و رؤسای خوارج محاربات هائله روی میداد
فتوحات اسلامیّه شرقاً تاحد و در فرائض و ثریا بممالک
اندلس که اکنون با سپانیام معروفست بلوغ یافت و

در آن ایام دوستان آل البیت که پیوسته از جهل
امرای امویه مورد ظلم و اهانت بودند نخست پسند
فرقه منقسم گشتند چه برخی خلافت را پس از شهادت
حضرت سید الشهدا حق محمد بن الحنفیه و پسر
از آن جناب معتقد بامامت ابی هاشم بن محمد بن
شدند و برخی دیگر رتبه امامت را حق حضرت
علی بن الحسین علیه السلام دانستند.

متصاعدین الی الله

۱- بر حسب مرقومه محفل مقدس روحانی نامی
جناب امرالله در خاندان از قدما و مخلصین
اخیراً بملکوت رب العالمین صعود نموده است.

۲- بر حسب مرقومه محفل مقدس روحانی
کرمانشاه جناب اسمعیل منصوریان از قدما می امر که
چندین سال عضو محفل روحانی قصر شیون بوده اند
اخیراً در کرمانشاه بملکوت ابهی صعود کرده اند.

۳- بر حسب نامه محفل مقدس روحانی طهران
جناب عزیز الله اصغر زاده و جناب محمد رستمی که هر
دو نفر از نفوس مخلصه خادمه زکیه بوده اند اخیراً
در طهران بملکوت جاودان هجرت فرموده اند.

این محفل از برای آن متصاعدین الی الله علیهم
درجات مسئلت مینماید.

محفل روحانی ملی بهائیان ایران